



نظری به قوانین جزائی

اسلام

(۷)

علی آبر حسینی

مشکل خانواده‌ها
همبستگی قانون و انضباط
انضباط يك نظام روحی

عفو یا اعدام؟

فلسفه و راز قوانین جزائی اسلام و قصاص ، لیکن معمولاً به جنایات وارده بر بدن و نفس ، بیان شد و خاطر نشان کرده‌د که برای جلوگیری قتل و ضرب اطلاق می‌گردد (۱)

از توسعه فساد و جنایت و جرائم و تأمین عدالت اجتماعی ، قوانین و کیفرهائی در اسلام تعیین شده است که آنرا « قصاص » و « حدود » و . . . واقع تناسب ویژه‌ای با نوع جنایت و جرم دارد . می‌نامیم .

اکنون همگی تلاش بر آنست که تا شرایط قصاص و جرح و . . . مجازات‌های بدنی زیر در نظر و مراتب مجازات‌ها را بررسی نمائیم . گرفته شده است :

الف - قتل و اعدام

ب - قطع عضو !

ج - سنگسار کردن .

د - تازیانه (حدوتعزیر)

برخی از مجازات‌های اخیر برای موارد تجاوز

جنایت

جنایت در اصطلاح فقهی ، گرچه بطور کلی به ارتکاب کارهائی که در شرع اسلام حرام است گفته می‌شود. خواه آن فعل و کار، بر نفس و جان آدمی وارد شود یا به مال و غیر آن .

ناموسی و تجاوز مالی و شرابخواری و . . . نیز در نظر گرفته شده است .

۲ - برای جرم‌های دیگر هم ، مجازات‌های دیگری از قبیل حبس و زندان و تبعید (پس از اثبات جرم) در نظر گرفته شده است .

۳ - مجازات‌های نقدی و جریمه (دیه)

۴ - توبیخ قاضی . . .

۵ - مجازات سلب حقوق از قبیل سلب حق شهادت و محرومیت از گواه شدن در همه امور ، برای کسانی که تهمت ناروا ، به بیگناهی زده‌اند .

ولی باید توجه داشت که همه جا هم عفو نه

درست است و نه به صلاح افراد و جامعه چون بسیاری

از افراد مفسد و خونخوار و خطرناک بهیچ وجه قابل اصلاح نیستند و موعظه و پند و اندرز و تربیت و تعلیم و حتی شکنجه و زندان‌ها و . . . هم نتوانسته است آنان را از جنایت و آدمکشی و فساد باز دارد . چنانکه در دنیا فراوان دیده‌ایم که حتی زندان‌های مدرن و حبس‌های تأدیبی و یا اردوگاه‌های کار اجباری و نیز مکتب‌های اخلاقی در عصر ما ، نه تنها نتوانسته‌است جلوی جرائم را بگیرد بلکه

آمار جرائم و جنایات روز بروز زیادتر و وحشتناکتر می‌شود !

از طرفی نباید جانی و آدمکش هم آزاد باشد و قتل‌های هر قاتلی کشته نمی‌شود و هر نوع قتل‌های مستوجب بلکه قتل و قاتلی مستوجب قصاص و محکوم به اعدام می‌گردد ، که با شرایط عادلانه‌ترین اقدام ، قصاص اسلامی است که جمع بین حقین کرده و راه میانه و معتدلی را انتخاب مقاله اشاره می‌شود .

۲ - قصاص و اعدام تنها راه و آخرین حکم انگیزه‌های جنایت و آدمکشی اینگونه افراد

هر چه باشد؛ تربیت بد، محیط فاسد و سرسپردگی و اطاعت کورکورانه از مافوق و فرمانده هائیکه، با حیوانات درنده و گزنده مقایسه کرد خطرشان معمولاً عملاً استعمار و بیگانه بودند، یا طمع مالی بیسی عظیم است، آنان سادسیم آدمکشی و دیگر مقامی و... آنان سبب شده که به میل خود آزاری دارند و نظم و امنیت و سلامت جامعه را و با انتخاب خود، شقاوت و بی‌رحمی و جنایت را پیشه سازند و هرگز مجبور و مسلوب الاراده و با اصطلاح الماومر معذور، نبوده‌اند.

جنایت کاران تاریخ امثال حجاج‌ها که می‌گفت: اسلام (ص) با همه رحمت و رأفت و عاطفه‌اش، نیز در مواردی اعدام و کشتن چنانی را حلال دانسته انسانی در برابر دم در خون خود دست و پامی زند» (۳) و فرموده است که: «لَا يُجِلُّ قَتْلَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِأَمْتَالٍ چنگیز و هیتلر و الکاپون و آدمکشان حربه‌ای غرب آمریکا یا «بریا» کشتار گرمخوف و رئیس وقتش نفسی بغیر نفسی .

پلیس و هم‌دست «استالین» و امثال آنها که با احتی آب خوردن و کمتر از یک دقیقه، آدم می‌کشتند و یکی از سه چیز: پس از مسلمان شدن مرتد شود. امثال: «نصیریها» و «هویداها» و «متوجهری» یا آنکه زن با داشتن شوهر و مرد با داشتن زن، زنا و «تهرانی» و (آرش) و دهها شکنجه‌گر ساواک کند ۳ - انسانی را بدون مجوز بکشد.

شرایط قصاص :

ملت محروم، باید آزادانه بگردند ؟
 ۱ - شرایط قاتلی که باید قصاص شود : باید و آیا جز قصاص چه چیز دیگری می‌تواند دستشان را کوتاه سازد ؟
 راستی که اینگونه افراد آن قدر از انسانیت بدورند که باید گفت شیطانی در لباس انسان‌اند و اگر فاقد هر یک از این شروط شد مجازات قصاص جامعه و انسانیت باید از سر و سوسه‌ها و توطئه‌های امثالشان، به تعبیر قرآن، فقط بخدا پناه ببرد . می‌کند که بعد آ گفته خواهد شد .

(بگو پناه ببروردگار مردم ، سلطان مردم - معبود مردم ، از شر و سوسه‌های شیطان و کسانی که اندیشه‌های بدی را در دل و فکر مردمان می‌افکنند، خواه از شیاطین جن یا انسانهای بدتر از شیطان (۴) شرایط خاصی دارد . و بهمین جهت در موجبات

۳ - مروج الذهب ج ۳ ص ۱۲۵ (وكان الحجاج يخبر عن نثسه ان اکثر لذاته سفك الدماء .)

۴ - قل اعوذ برب الناس ، ملك الناس اله الناس ، من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور، من الجنة والناس .

قصاص گفته‌اند: **إِزْهَاقُ النَّفْسِ الْمَعْصُومَةِ** ۴ - فرض دیگر آن که نه قصد قتل باشد نه عمد امع سایر شرایط یعنی کشتن انسان بی - آلت کشنده باشد. مثل اینکه فریاد بانهبی بزند یا گناهی که خودش محترم عمد او... پس نخست توبی بیاندازد و تصادفاً طرف بمیرد. این فرض باید بدابیم که همه جنایات از سه حالت خارج مسلمان قتل عمد نیست! نیست. یا عمدی است یا خطاه و اشتباه محض است یا شبیه به عمد یعنی که نه کاملاً عمد و نه کاملاً خطا و چیزی بین عمد و خطائی است.

قتل شبه عمدی:

قتل عمد در واقع به سه صورت تحقق می‌یابد. شبیه به عمد آنست که، طرف قصد کشتن کسی را نداشته و با آلت وسیله‌ای که معمولاً کشنده کسی را بزند با زدن او طرف کشته شده است با اصطلاح است مثل شمشیر و تیرو گلوله، یا چوب و سنگی «**عمدالی الفعل وما عمد الی القتل**» که نوعاً کشنده است و اگر آنها را به موضع خاصی لیکن چون قصد زدن و فعل را داشته است شبه بزند معمولاً موجب قتل می‌گردد. اقدام بکشتن عمد است و نمی‌توانیم آنرا عمد محض و نیز خطای محض بنامیم!

۲ - آنکه قصد قتل را داشته باشد ولی آلت و قتل خطائی آنست که نه قصد فعل و زدن انسانی وسیله قتل نوعاً کشنده نباشد و در عین حال با آن را داشته باشد و نه قصد قتل او را، مثل اینکه بخواهد طرف را بکشد. مثل اینکه با چوبی که معمولاً آهونی را با تیر بزند ولی تیر خطا برود و انسانی را کشته نیست بقصد کشت بطرف بزند و تصادفاً بکشد، یا می‌خواسته درختی را قطع کند، تبر به او را بکشد طبق قول مشهورین فقها این هم قتل شخصی بخورد او را بکشد چون در اینجا اصلاً عمد است. (۱)

لیکن اگر بدون قصد قتل باشد و تنها به قصد تادیب بزند و آلت زدن هم کشنده نباشد، قتل عمد می‌کند.

نیست بلکه شبیه به عمد است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: (انَّ الْعَمْدَ

۳ - و نیز اگر: قصد قتل کسی را ندارد ولی آلت کشنده است مثل اینکه با شمشیر یا چاقو، بقصد او **أَوْ كُرَّةً فِهَذَا كَلَهُ عَمْدٌ**. و **الْعَطَاءُ مَنْ اعْتَمَدَ** تفریح و شوخی، یا بخیال اینکه فقط زخمی می‌شود **شَيْئاً فَاصَابَ غَيْرَهُ** (۱)

به کسی بزند و شریانیهای حیاتی او را قطع کند و کشته گردد این هم قتل عمد است. اگر عمد آ با آهن یا سنگ یا عصا یا مشت بزند و طرف بمیرد، این قتل عمد است.

۱ - مرحوم شهید ثانی در این باره می‌گوید: چون آلت قتاله نیست پس در واقع قصد قتل نداشته و این بمنزله آن است که کسی قصد عملی داشته باشد و اما اقدام نکند پس قصد بدون عمل است و این شبه عمد است!

اگر طوری بزند که معمولاً کشنده نبود ولی قرار دهد و طرف بمیرد ، همه این موارد قتل عمد چون طرف تحمل چنین چوب و ضربه‌ای را است و قاتل باید قصاص شود (۲) و همچنین اگر نداشته ، بخاطر کوچکی و ضعف یا بخاطر بیماری در اثر شکنجه طرف را بکشد یا بخاطر اینکه تیر هوایی ... و بمیرد قتل عمد محسوب می‌شود . خالی کرده است ولی بکسی خورده و او را شهید یا اگر با طناب و دستمال خفه کند یا در آتش و یا کرده باشد ، همه اینها قتل عمد حساب می‌شود ... در کودالی که قدرت بر خروج ندارد بیفکند ، یا قتل غیر عمدی و خطائی قصاص ندارد و باید دبه جراحی بزند که منجر به مرگ او شود ، یا از بلندی بدهد که دیده‌اش هم بایکدیگر فرق می‌کند که بعداً پرت کند ، یا خود عمداً از بلندی بر سر کسی پرت شود و او را بکشد ، یا بوسیله طعام مسمومش سازد ، اثبات ، قصاص دارد نه شبه عمد و نه خطاء . یاد سر راهش چاهی بکند و او بیفتد و بمیرد ، یا در دریا غرق کند ، یا عمداً در مقابل حیوانات درنده

(ادامه دارد)

بقیه : سفرنامه . .

هر گامی که به سود خویش برمی‌داریم درست بیندیشیم که در سرنوشت برادران و خواهران ما چه اثری می‌گذارد ؟ مثبت یا منفی ؟ اگر منفی است از این سود بپرهیزیم . وظیفه خود را در اجتماع ، در ادارات ، در بازار ، در سنگرهای دیگر با نهایت خلوص و صمیمیت انجام دهیم ، و هیچ فکر نکنیم که ناظر و بازرسی جز خدا ، مراقب اعمال ما هست یا نه ؟

خلاصه فراموش نکنیم که اگر بخواهیم با این اخلاق « طاغوتی » در عصر « یاقوتی » پیش برویم تمام دستاوردهای انقلاب را از دست خواهیم داد .

و درون وجودی دست بزنیم .

باید برای خود سازی همان برنامه جهاد اکبر اسلامی و مبارزه با هوسهای سرکش را شروع کنیم ، که هیچ جهادی بدون این جهاد نتیجه بخش نیست و فراموش نکنیم که اقوامی بودند که بخاطر فراموش کردن این جهاد بزرگ ، بعد از انقلاب چنان گرفتار هرج و مرج و پراکندگی و نفاق و یأس شدند که آرزوی بازگشت دوران خفقان و عصر استبداد و غل و زنجیر را می‌کردند ! .

باید برای خدا بیا خیزیم ، خلق و خوی طاغوتی را دور بریزیم ، برای خدا گام برداریم و برای رضای او تلاش و کوشش کنیم . رنج دیگران را رنج خود بدانیم ، و راحت دیگران را راحت خود .

۱ - تهذیب ج ۱۰ ص ۱۵۵ بنقل از کافی جلد ۲ ص ۳۱۷

۲ - لمعه شهید اول ج ۲ ص ۳۲ - ۳۲۶